## کیفیت اذان و اقامه

## کیفیت اذان

جلسه 122-474

**سه‌شنبه - 27/03/۹9**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به کیفیت اذان و اقامه بود. صاحب عروه مثل مشهور فرمودند فصول اذان هیجده تا است و فصول اقامه هفده تا. اما این مطلب از مسلمات بین مسلمین نیست:

عامه بر خلاف شیعه لااله‌الاالله را در آخر اذان یک بار می‌‌گویند اما شیعه دو بار می‌‌گوید. بین خود عامه از جهات دیگر اختلاف است. مثلا فقهاء کوفه مثل ابو حنفیه و سفیان ثوری و ابن ابی لیلا مثل مشهور شیعه چهار بار الله‌اکبر اول اذان را می‌‌گفتند، اما فقهاء مدینه مثل مالک دو بار الله‌اکبر اول اذان را می‌‌گفتند، اما اشهد ان ‌لااله‌الاالله را چهار بار می‌‌گفتند و همین‌طور اشهد ان محمد رسول الله صلی الله علیه و آله. فقهاء مکه هم الله‌اکبر اول اذان و هم اشهد ان لااله‌الاالله و اشهد ان محمدا رسول الله را چهار بار می‌‌گفتند که نقل شده مذهب شافعی هم همین است.

اما در شیعه برخی از فقهاء مثل شیخ صدوق در هدایه فصول اذان را بیست تا می‌‌دانند، الله‌اکبر آخر اذان را هم چهار بار می‌‌گویند. و فصول اقامه را بیست و دو تا می‌‌دانند، ‌یعنی همان اذان به اضافه قد قامت الصلاة در اقامه. با این‌که مشهور فقهاء شیعه اقامه را هفده فصل می‌‌دانستند، الله‌اکبر اول اقامه دو بار و آخر اقامه هم لااله‌الاالله یک بار. در هدایه مرحوم صدوق صفحه 131 باب الاذان و الاقامة: قال الصادق علیه السلام الاذان و الاقامة مثنی مثنی و هما اثنان و اربعون حرفا الاذان عشرون حرفا و الاقامة اثنان و عشرون حرفا. که این قول‌، قول خلاف مشهور است. قول مشهور همان چیزی است که مرحوم شیخ در خلاف و نهایه مطرح کرده. در خلاف جلد 1 صفحه 278 فرمود: الاذان عندنا ثمانیة‌عشرة کلمة و فی اصحابنا من قال عشرون کلمة. که ناظر به کلام شیخ صدوق است.

روایات داله بر قول مشهور در کیفیت اذان

برای بررسی منشأ این اختلاف باید به روایات مراجعه کنیم. برخی از روایات دلیل بر نظر مشهور است که عمده آن را عرض می‌‌کنیم:

روایت اول آن‌چه که در کافی از علی بن ابراهیم نقل کرده، می‌‌گوید: علی بن ابراهیم عن محمد بن عیسی عن یونس عن ابان بن عثمان عن اسماعیل الجعفی قال سمعت اباجعفر علیه السلام یقول الاذان و الاقامة خمس و ثلاثون حرفا الاذان ثمانیة عشرة حرفا و الاقامة سبعة عشرة حرفا. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 423.

سند این روایت مشتمل بر اسماعیل جعفی است. اسماعیل جعفی مردد است بین سه نفر: اسماعیل بن جابر جعفی، اسماعیل بن عبدالرحمن جعفی و اسماعیل بن عبدالخالق جعفی. اسماعیل بن عبدالرحمن ثقه است بخاطر این‌که نجاشی در حقش گفته کان وجها فی اصحابنا. اسماعیل بن عبدالخالق جعفی را هم صریحا نجاشی توثیق کرده گفته ثقة. ولی اسماعیل بن جابر جعفی شبهه عدم توثیق دارد. چون شیخ طوسی در رجال گفته اسماعیل بن جابر الخثعمی ثقة ممدوح و لذا گفته می‌‌شود این ممکن است غیر از اسماعیل بن جابر جعفی باشد و او توثیق نشده باشد. و به شهادت نجاشی راوی روایت کیفیت اذان اسماعیل بن جابر جعفی است.

به نظر ما اسماعیل بن جابر جعفی ثقه است. هم بخاطر این‌که از مشایخ صفوان است و شیخ طوسی در عده فرموده صفوان و بزنطی و ابن ابی عمیر عرفوا بانهم لایروون و لایرسلون الا عن ثقة. علاوه بر این‌که اسماعیل بن جابر توسط شیخ طوسی توثیق شده. آن نسخه رجالی که در دسترس ما است که دارد اسماعیل بن جابر خثعمی ثقة به احتمال قوی مشتمل بر تصحیف است. هم در نسخه رجال شیخ طوسی که دست مرحوم قهپایی صاحب کتاب مجمع الرجال بوده و هم در رجال شیخ طوسی که نزد مرحوم تفرشی صاحب کتاب نقد الرجال بوده اسماعیل بن جابر جعفی است. بر فرض خثعمی باشد، مطمئنا این خثعمی لقب آخری است برای اسماعیل بن جابر جعفی. چون شیخ طوسی در رجالش می‌‌گوید له اصول رواها عنه صفوان بن یحیی، در مورد اسماعیل بن جابر خثعمی می‌‌گوید اصولی دارد که راوی آن صفوان بن یحیی است. نجاشی هم راجع به اسماعیل بن جابر جعفی می‌‌گوید له کتاب رواه عنه صفوان بن یحیی. و شیخ طوسی فقط اسماعیل بن جابر خثعمی را گفته با این‌که اسماعیل بن جابر جعفی صاحب کتاب است و نجاشی هم فقط اسماعیل بن جابر جعفی را گفته با این‌که خثعمی صاحب کتاب است و دأب این بزرگان این بوده که تمام اصحاب کتب و اصانیف شیعه را ذکر بکنند. معلوم می‌‌شود این دو یک نفر هستند؛ خثعمی و جعفی عنوان یک نفر است که شیخ طوسی او را توثیق کرده. و لذا روایت به نظر ما صحیحه است.

روایت دوم روایتی است که در کافی نقل کرده به سند صحیح از زراره عن ابی جعفر علیه السلام قال قال یا زرارة تفتتح الاذان باربع تکبیرات و تختمه بتکبیرتین و تهلیلتین. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 413. شیخ طوسی هم همین حدیث زراره را به اسنادش از محمد بن علی بن محبوب از احمد بن محمد از عبدالله بن نجران از حماد از حریز از زراره نقل می‌‌کند. این هم دلالت می‌‌کند بر اذان به کیفیت مشهور.

روایت سوم روایتی است که اسحاق بن عمار نقل می‌‌کند از معلی بن خنیس: قال سمعت اباعبدالله علیه السلام یؤذّن فقال الله‌اکبر الله‌اکبر الله‌اکبر تا آخر اذان. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 415.

این روایت هم سندا خالی از اشکال نیست و هم دلالتا. اما سندا بخاطر این‌که معلی بن خنیس توسط نجاشی و دیگران تضعیف شده. البته روایات صحیحه‌ای راجع به مقام او و این‌که او اهل بهشت است داریم اما این منافات ندارد که بخاطر این‌که شیعه بسیار محکمی بود و در این راه کشته شد خدا او را به مقام رفیع شهادت نائل کرد و اهل بهشت شد اما در زندگی در نقل روایات چندان ثقه نبوده. و از حیث دلالت هم حکایت فعل است، امام علیه السلام این‌جور اذان گفتند شاید از باب این‌که این اذان افضل است، دلیل بر وجوب این کیفیت نمی‌شود.

روایت چهارم روایتی است که شیخ طوسی نقل می‌‌کند از سیف بن عمیره عن ابی بکر الحضرمی و کلیب الاسدی جمیعا عن ابی‌عبدالله علیه السلام انه حکوا لهما الاذان فقال الله‌اکبر الله‌اکبر الله‌اکبر الله‌اکبر، تا آخر. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 416.

دلالت این روایت بر این‌که کیفیت اذان به همان نحو مشهور است که هیجده فصل دارد، دلالتش تمام است. اما سندش برخی ممکن است اشکال بکنند که کُلیب اسدی و ابی‌بکر حضرمی توثیق ندارند. مرحوم آقای خوئی هم اعتماد می‌‌کرد بر این‌که این دو از رجال کامل الزیارات هستند و وثاقت‌شان را اثبات می‌‌کرد که از این نظر هم برگشت که هر کس در اسناد کامل الزیارات است ثقه است. اما به نظر ما کلیب اسدی از مشایخ صفوان و ابن ابی عمیر است و ما مشایخ صفوان و ابن ابی عمیر را ثقه می‌‌دانیم بخاطر شهاد شیخ طوسی در عده. ابی‌بکر حضرمی هم از روایات استفاده می‌‌شود که از اجلاء اصحاب امام صادق علیه السلام بوده و هیچ قدحی در مورد او وارد نشده. این منشأ می‌‌شود ما وثوق پیدا کنیم به حسن ظاهر او که اماره عدالت است.

روایات داله بر قول مخالف مشهور که اذان مشتمل بر دو بار الله‌اکبر است نه چهار بار

این‌ها روایاتی است که دلیل بر قول مشهور است. اما به ازاء این روایات، روایات دیگری داریم که دلالت می‌‌کند بر این‌که اذان مشتمل بر چهار تکبیر اول آن نیست بلکه اول اذان هم دو بار تکبیر کافی است بگوییم.

اولین روایت صحیحه صفوان جمال است: قال سمعت اباعبدالله علیها السلام یقول الاذان مثنی مثنی و الاقامة مثنی مثنی. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 416. گفته می‌‌شود الاذان مثنی‌، مثنی یعنی دو تا دو تا. پس الله‌اکبر اول اذان هم دو تا است.

روایت دوم صحیحه عبدالله بن سنان است: ‌قال سألت اباعبدالله علیه السلام عن الاذان فقال تقول الله‌اکبر الله‌اکبر اشهد ان لااله‌الاالله اشهد ان لااله‌الاالله، تا آخر همه را دو بار تکرار کرده. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 414.

روایت سوم روایتی است که شیخ طوسی نقل می‌‌کند به اسنادش از محمد بن علی بن محبوب از علی بن سندی از ابن ابی عمیر از ابن اذینه از زراره و فضیل بن یسار عن ابی‌جعفر علیه السلام قال لما أسری برسول الله صلی الله علیه و آله فبلغ البیت المعمور حضرت الصلاة فاذّن جبرئیل فقلنا له کیف اذّن فقال الله‌اکبر الله‌اکبر اشهد ان لااله‌الاالله اشهد ان لااله‌الاالله، بعد در ادامه دارد فامر بها رسول الله صلی الله علیه و آله بلالا فلم یزل یؤذن بها حتی قبض الله رسوله. وسائل الشیعة جلد 5 صفحه 416.

در این‌جا هم تکبیر اول اذان دو بار ذکر شده نه چهار بار. سند این روایت ضعیف است چون مشتمل بر علی بن سندی است که توثیق ندارد. هر چند اصل این روایت را کافی به سند صحیح نقل کرده: علی بن ابراهیم عن ابیه عن ابن ابی عمیر عن عمر بن اذینه عن زراره و الفضیل عن ابی‌جعفر علیه السلام. و لکن در آن نقل کافی کیفیت اذان ذکر نشده.

طریق جمع بین روایات

مرحوم آقای خوئی فرموده: بین این طائفه از روایات که تکبیر اول اذان را دو بار ذکر کرده با طائفه سابقه که تکبیر در اول اذان را چهار بار ذکر کرده، جمع عرفی بین این‌ها اقتضاء می‌‌کند طائفه اولی را حمل بر افضیلت بکنیم چون طائفه ثانیه صریح است در اجزاء دو بار تکبیر گفتن در اول اذان. از ظهور طائفه اولی در وجوب چهار بار تکبیر گفتن اول اذان رفع ید می‌‌کنیم. نفرمایید: سیره متشرعه بر این بود که چهار بار اول اذان تکبیر می‌‌گویند، الان هم همین‌طور است. ایشان فرموده: سیره متشرعه که کاشف از وجوب نیست، ‌سیره متشرعه بر قنوت گرفتن در نماز هم هست که مستحب است، کشف نمی‌شود وجوب آن.

این فرمایشی است که مرحوم آقای خوئی در موسوعه جلد 13 صفحه 255 بیان کردند.

آقای سیستانی فرمودند مقتضای صناعت این است که ما فتوی بدهیم به همان کیفیت مشهور و بگوییم چهار بار تکبیر اول اذان لازم است. چون که صحیحه صفوان جمال که می‌‌گوید الاذان مثنی مثنی، در مقابل نظر عامه است که لااله‌الاالله را مفرد می‌‌گفتند. مثنی یعنی زوج هست نه فرد. منافات ندارد که تکبیر اول اذان را دو بار دو بار بگوییم، یعنی می‌‌شود چهار بار.

اما صحیحه عبدالله بن سنان، ایشان فرمودند ما چون نظرمان این است که خبر ثقه اگر مفید وثوق و اطمینان به صدور باشد حجت است و الا حجیت تعبدیه ندارد، ما از صحیحه عبدالله بن سنان وثوق پیدا نمی‌کنیم به صدور. چون ابن سنان شخص معروفی بود و اصحاب احادیث او را زیاد نقل می‌‌کردند و مشتمل بر اختلاف متن بود. ما این را ملاحظه کردیم که در روایات مختلف عبدالله بن سنان اختلاف متن وجود دارد. مثل روایاتی که در باب حد بلوغ آورده، روایتی که در باب عصیر عنبی دارد. و لذا بعید نیست که ساقط شده از نسخه‌های کتاب عبدالله بن سنان دو بار دیگر الله‌اکبر. روایت دارد تقول الله‌اکبر الله‌اکبر، شاید در ادامه‌اش هم دو بار دیگر ذکر شده و این سقط شده. ما با وجود روایات متعدده‌ای که چهار بار الله‌اکبر اول اذان می‌‌گوید، دیگر وثوق به صدور این صحیحه عبدالله بن سنان به این کیفیت پیدا نمی‌کنیم.

و همین‌طور است صحیحه ابن ابی عمیر با توجه به این‌که کتاب ابن ابی عمیر زیر باران از بین رفته بخشی از آن و ابن ابی عمیر تصحیح قیاسی می‌‌کرده یعنی اجتهاد می‌‌کرده که این سند که او نقل می‌‌کند چگونه است و اگر نمی‌فهمید می‌‌گفت عن بعض اصحابنا می‌‌شد مراسیل ابن ابی عمیر و در متن هم آن مواردی که زیر باران از بین رفته بود تصحیح قیاسی می‌‌کرد و متن را با اجتهاد خودش یا دیگران با اجتهاد خودشان کشف می‌‌کردند. و چه بسا در متن حدیث ابن ابی عمیر هم چهار بار الله‌اکبر بوده منتها دو بارش حذف شده و ابن ابی عمیر در کتابش آنی که موجود بوده دو بار بوده با این‌که اصل نسخه چهار بار بوده و پاک شده زیر باران و مانند آن. این احتمالش است.

بعد ایشان فرموده: ما بر فرض راجع به صحیحه عبدالله بن سنان اشکال نکنیم در این نقل، جمع عرفی این است که حمل بر این بکنیم که عبدالله بن سنان چون خزانه‌دار خلفاء عباسی بوده، نجاشی می‌‌گوید کان خازنا للمنصور و المهدی و الهادی و الرشید، و لذا مثل علی بن یقطین در مظان این بوده که تقیه بکند، جوری عمل نکند که متهم بشود نزد خلفاء بنی العباس و لذا امام چه بسا به او این کیفیت اذان را که اول اذان دو بار تکبیرة الاحرام بگوید یاد دادند تا او با چهار بار الله‌اکبر گفتن راز شیعه بودنش فاش نشود. این احتمال است و این مقتضای جمع عرفی است که صحیحه عبدالله بن سنان را حمل بر این بکنیم که امام به او از باب این‌که او تقیه بکند خواسته این‌جور اذان بگوید.

ایشان فرموده‌اند: یک وجه دیگر برای رفع ید از این روایات طائفه ثانیه است و آن این‌که بگوییم مشهور از آن اعراض کردند و اعراض مشهور موهن است.

انصافا این فرمایش آقای سیستانی قابل مناقشه است. اما این‌که مشهور اعراض کردند درست است، ‌مشهور اعراض کردند و لکن آقای خوئی فرمود شاید مشهور از باب این‌که آن کیفیت اذان افضل است و یا به تعبیری که ما عرض می‌‌کنیم اوفق به احتیاط است، آن کیفیت را پذیرفتند.

و اما این‌که ایشان فرمود که صحیحه عبدالله بن سنان احتمال این است که سقط از آن شده الله‌اکبر سوم و چهارم، انصافا این‌ها خلاف مرتکز عرفی است در باب حجیت خبر ثقه. علاوه بر این‌که ما خبر ثقه را معتقدیم دلیل روایی بر حجیت آن داریم و لو مفید وثوق به صدور نباشد. و همین‌طور صحیحه ابن ابی عمیر را ما بگوییم سقط شده از او، این‌ها عرفی نیست. حمل امر عبدالله بن سنان هم بگوییم از باب این است که می‌‌خواستند عبدالله بن سنان تقیه کند، این جمع عرفی نیست.

و لذا فرمایش آقای خوئی صناعی است که بگوییم چهار بار الله‌اکبر گفتن اول اذان مستحب است، دو بار هم بگوییم کافی است.

تامل بفرمایید ان‌شاء الله بقیه مطالب در جلسه آینده دنبال خواهد.

و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین.